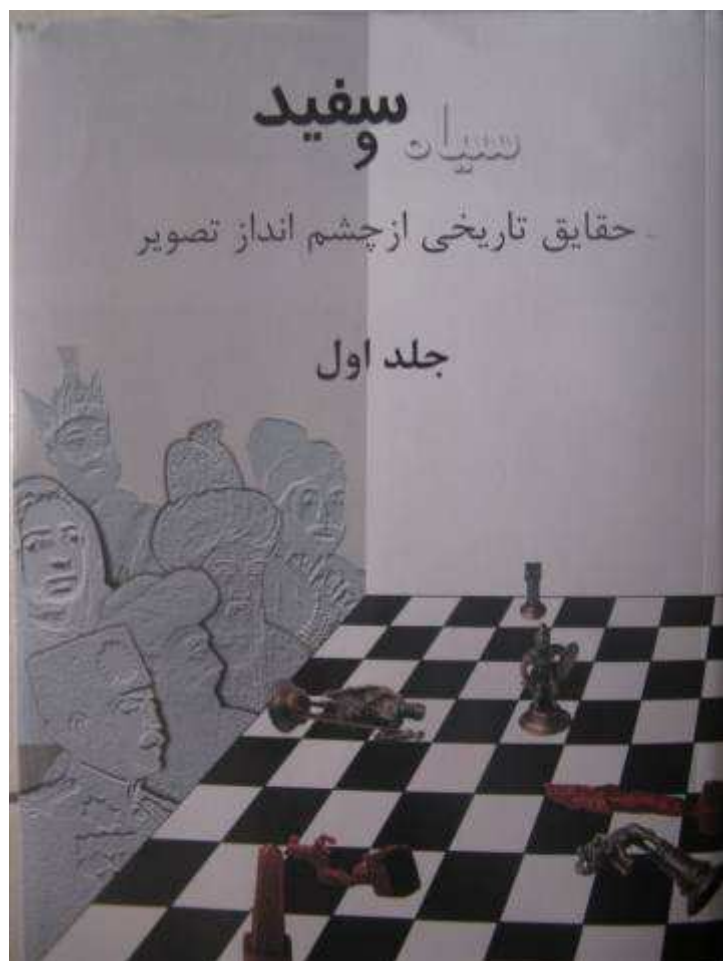


سیاه و سفید

نوشته: عزیزالله ایما

سیاه و سفید کتابیست تصویری، با پیشگفتاری از مؤلف، یک یادداشت، چند تقریظ و زیرنویس‌هایی گاه کوتاه و گاه دراز برای دو صد و پنجاه عکس و تصویر.



در نمای نمادین- شطرنج قدرت- پشتی کتاب، یک جنگجوی ایستاده در وسط میدان با تنها برجی برجا در عقب و برجی در برابر، گویی به سرنوشت شاهان افتاده با اسپ و فیل می‌اندیشد. جالب این که انگار ارواح شاهان رفته و روح سرور سلطان مادر شاه امان‌الله تماشاگر بازی اند. شاهانی که گاه به درازای هزاران سال فاصله- کیقباد شاه بزرگ کیانی، احمدشاه ابدالی، حبیب‌الله کلکانی، محمود غزنوی، شاه امان‌الله- در کنار هم چشم به چهارخانه‌های بازی دوخته‌اند.

گزینش نام سیاه و سفید در ذهن خواننده- که همان بیننده متن تصویریست- نگاه مطلقگرای تاریخ ما را برجسته می‌کند. عجیب این که اگر از نوع نگارش مرزایی تقریظ نگاری و نادرستی‌های نگارشی متن‌ها بگذریم، رابطه یکی دوتا تقریظ را با کتاب ارزشمند سیاه و سفید به ساده‌گی نمی‌توانیم دریابیم. تأکید بر این که نقاشی در قرن نژده و آن هم از سوی انگلیس‌ها رایج گردید، بیخی نادرست است. از دوران تاریخ کهن سرزمین ما تا زمامداری تیموریان هرات، در کنار نقاشان خوش نقش گمنام، نام پیکر تراشان، رسامان و نقاشان ناموری نقش تاریخ است.

در خط چهارم پیشگفتار مؤلف کتاب تصویری سیاه و سفید می‌خوانیم «کشور ما خراسان- افغانستان کنونی...» که با زیرنویس نخستین برگ کتاب- تصویر صابرشاه کابلی که با گذاشتن خوشه گندم بر سر احمدشاه ابدالی، او را شاه خراسان می‌خواند: «بنیانگذار دولت شاهی افغانستان در قندهار» در تضاد است.



صفحه اول، کندهار-1747

در صفحه دوم کتاب سیاه و سفید می‌خوانیم: «نظام شاهی توسط احمدشاه ابدالی در سال 1747 اساس گذاشته شد و تا سال 1973 اقتدار سیاسی و ملی را به دست داشته، نظام سلطنتی افغانستان را تشکیل داد.» سخنیست بی هیچ تکیه تاریخی و نادرست، در تقابل با تصویر پشتهی کتاب که در آن تصویر دوشاه پیش از احمدشاه به نمایش گذاشته شده‌اند.

کتاب سیاه و سفید به قول مؤلف آن محمدنعیم قدرت «حقایق تاریخی از چشم انداز تصویر» از آغاز شاهی احمدشاه ابدالی 1747 تا بخشی از دوران فرمانروایی ظاهرشاه، سال‌های 1952 را به تصویر کشیده‌است.

آخرین عکس، محمد داؤود را نشان می‌دهد که با پوشاک غیر رسمی، دست‌ها در پشت، مطمئن، مصمم و متفاوت از دیگران در کنار برادرش محمدنعیم، در صفی با شاه محمود، ظاهرشاه، شاه ولی و عبدالولی، ایستاده است. گویی همان گفتار معروفی را که در زمان تک‌اقتداریش در و دیوار کابل را گرفته بود، در دل زمزمه می‌کند: تصمیم شرط اول موفقیت است. محمد داؤود ازین تصویر تا برچیدن نظام شاهی و بنیادگذاری نخستین جمهوریت، دوده فاصله دارد.



صفحه 257، پغمان- دهه 1950

تصویر تسلیمی امیردوست محمد که پیاده در رکاب مکناتن سوار بر اسپ، متضرعانه دست به دست مکناتن می‌دهد، گویا تر از هر سیاهی کاغذ است در مورد امیر نامدار:



صفحه 8، کابل- قلعه قاضی- نومبر 1840

در صفحه هفده کتاب **سیاه و سفید** در زیر عکس غلام حیدر فرزند امیر دوست محمد می‌خوانیم:
سرکار سردار غلام حیدر خان بن امیر دوست محمد خان والی افغانستان.



صفحه 17، کابل 1856

برخلاف دیدگاهی در کتاب، **سیاه و سفید** تاریخ تصویری کشور ما نه، که تاریخ تصویری حکمرانان دوسده اخیر را در برابر دید خواننده می‌گذارد و بخش کوچکی است از تاریخ چند هزار ساله سرزمین کهنسال ما، کاریست درخور و ستودنی.
تصویرها آن قدر گویاستند که در بسا موارد برنگاشته‌ها و نوشته‌های تاریخی هم خط بطلان می‌کشند.
آن‌گاه که سیمای ملا عبدالله مشهور به ملای لنگ را در کنار چهره شاه امان‌الله به تماشا بنشینیم، چیزی را می‌بینیم که کمتر از سوی خوشبینان و بدبینان آن‌ها روی کاغذ آمده است. سیمای برای خواننده به نسبت دیدش، بامعنایی و یا بی‌معنایی قیام و یا شورش را شاید بهتر از نوشته‌ها بیان کند:



ملکه ثریا همسر شاه امان‌الله، صفحه 150، کابل-1927



ملا عبدالله مشهور به ملای لنگ، صفحه 131، کابل-1924

با آن که سرزمین کهنسال ما از تبارهای خویشاوند متشکل است و زبان‌های ما از زبان‌های همپیوند، دردا که نگاه ما به تاریخ تباری و زبانی‌ست.

نماهای نوشتاری در برگ‌های تاریخ، گاه متفاوت و دگرگون از تصویرهای سیاه و سفید به چشم می‌خورند.

پیکر سوراخ سوراخ حبیب‌الله کلکانی و همراهانش با ایزار و گرتن پاره پاره و دریده شده، در کنار پیکر تازه گلوله خورده و په پشت افتاده نادرشاه، ما را به خوانش تاریخی فرامی‌خواند که بسیار تکرارش کرده‌ایم. دریغا هنوز هم می‌کنیم.

تصویر دومی، دید یکی دو متنی را که نوشته‌اند: «قیوم عطایی سر نادرشاه را از زمین بلند می‌کند...» دگرگونه می‌نمایاند. در عکس طره باز خان را می‌بینیم که سر نادرشاه را در بغل گرفته‌است:



صفحه 216، کابل- 2 نومبر 1929



صفحه 237، ارگ کابل- نومبر 1933

حضور ملکه ثریا یگانه همسر شاه امان الله در قصر وارسا- پاریس، کاخ کرملن- مسکو، برلین و لندن، در تاریخ مذکور ما حضور استثنایی است و برای شماری هم بسیار ناگوار و خلاف رسم پدران شاه که هرکدام زنان زیادی داشتند- محبوب و حرم نشین.



صفحه 161، مسکو- می 1928



صفحه 152، لندن- مارچ 1928

اگر عکس‌های ملکه ثریا را پس از هشتاد و چند سال در کنار تصویرهای بانوی رئیس‌جمهور بر حال دکتور زینت کرزی بگذاریم، می‌توانیم تأریخ را با نگاه دیگری بخوانیم. خوانشی که به ژرفای نگاه خواننده وابسته خواهد ماند.

در همین نگاه... نه! در همین نوع نگاه است که لبخند فاروق وردکی بر کوتاهی تأریخ، در برابر اشکِ راوشی و لعن‌زادی عُق می‌شود.



کابل- 2005- دکتور زینت کرزی و زهره صادقی زنان روئسای جمهور جمهوری اسلامی افغانستان

وایران



کابل- مارچ 2006، زینت کرزی و لورا بوش بانوان نخست افغانستان و امریکا



صفحه 153 سیاه و سفید، ملکه ثریا- 1928

به هر رو مؤلف کتاب تصویری سیاه و سفید، آقای قدرت پیشگام انجام کاری گردیده که سالها پیش باید آغاز می‌شد. امیدوارم با همان کوششی که جلد اول سیاه و سفید را به چاپ رسانده‌است، در جلد های دیگر دست یاری هممیهنانی را که صدها عکس، سند و تصویر در بایگانی و آلبوم‌های خانگی دارند، با خود داشته باشد.

در کنار یادآوری‌های این نگاشته، آنچه که خواننده را در چاپ دیگر کمک بیشتر خواهد کرد، نوشتن فهرست نام‌های تصویرها در آغاز کتاب می‌تواند باشد.